

واژه «غدير» در لغت به چند معنا آمده است؛ مانند «آبگیر»، «قطعه‌ای از آب»، و «جای جمع شدن آب باران».

غدير خُم در میان راه دو شهر بزرگ دنیای اسلام، مکه و مدینه، در محلی به نام «جُحفه» وجود دارد که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) کاروانیان حج در آن جا از هم جدا می‌شدند و به طرف دیار خود می‌رفتند. درباره علت نام‌گذاری این مکان به غدير خُم، احتمالاتی داده شده است؛ مانند این که به اعتبار آب و هوای آن منطقه به این نام نامیده شده است. پیامبر اسلام (ص) به دستور خداوند، در غدير خُم علی بن ابی‌طالب (ع) را امام، وصی و جانشین خود به مردم معرفی نمود.

غدير اکمال دين و اتمام نعمت

غدير اساس دين اسلام و ثمره نبوت پیامبر (ص) است. نام غدير تعیین کننده صراط مستقیم تا آخرین روز دنیاست، و خطابه غدير زنده‌ترین سند آن نتیجه‌اش، ولایت امیرالمومنین (ع) است. در طول تاریخ بعثت پیامبر اسلام تنها حکم غدير است که با مقدماتی خاص دور مکانی خاص و در بین اجتماعی عظیم مطرح شده است، زیرا احکام الهی دیگر یا در مسجد پیامبر (ص) و یا در خانه آن حضرت برای عده‌ای گفته می‌شد و بعد خبر به همه می‌رسید. از این رو ما می‌توانیم به متمایز بودن مسئله غدير پی ببریم.¹

ماجرای غدير

در سال دهم هجرت پیامبر (ص) از طرف خداوند مأمور شدند تا دو مسئله مهم دين اسلام را به مردم ابلاغ نمایند و آن دو مسئله عبارت بودند از حج و ولایت و خلافت دوازده امام (ع). پس از این اعلان مردم با عجله آماده خروج از مکه شدند. بعد از اینکه افراد به محل غدير خُم رسیدند پیامبر بر روی منبری که در زیر درخت کهنسالی که در آنجا بود ساخته بودند رفت و سپس دستور داد تا امیرالمومنین (ع) را فراخوانند و دستور دادند بالای منبر پیامبر و دست راست آن حضرت بایستد، پس پیامبر منتظر ایستادند تا مردم کاملاً جمع شدند و آنگاه خطابه رسمی خود را بیان نمودند.

ایشان در اثنای خطبه دو عمل را انجام دادند، در ابتدا پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمومنین (ع) برای اینکه هرگونه شک و شبهه‌ای را برطرف نموده باشند پس از شرح مقام ولایت به صورت لسانی حضرت علی (علیه السلام) را جانشین خود خواندند و آن را بدینگونه عنوان کردند که: «باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی‌کند مگر این که کسی که دست او را می‌گیرم و او را بلند می‌کنم و بازویش را گرفته و او را بالا می‌برم» سپس حضرت بازوان علی (ع) را گرفتند سپس فرمودند: «هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست». و اقدام عملی دوم حضرت پیامبر، بیعت گرفتن از مردم بود، چون زیاد بود و گرفتن بیعت از آن جمعیت انبوه غیرممکن بود لذا ممکن بود که افرادی به بهانه‌های مختلف از بیعت شانه خالی کنند، حضرت فرمودند به خاطر ازدحام جمعیت امکان بیعت گرفتن از همه وجود ندارد این سخن را که من می‌گویم تکرار کنید و بگویید: «ما فرمان تو را از جانب خداوند که درباره علی بن ابیطالب و امامان و مریدانش به ما رساندی اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستان با تو بر این مدعا بیعت می‌کنیم... عهد و پیمان در این باره برای آنان از ما از قلب‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و ضمائر و دستانمان گرفته شد. هر کس با «دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است»

وقتی کلام حضرت پایان یافت همه مردم سخن ایشان را تکرار نمودند و بدینوسیله بیعت عمومی گرفته شد. در مراسم بیعت، پیامبر (ص) عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمومنین (ع) قرار دادند

ادعای منافقان و دشمنان علی مبنی بر اینکه هدف از مراسم غدیر، اعلان دوستی حضرت پیامبر (صلی الله علیه و اله) به علی (علیه السلام) است

پیامبر زمانی که صحابه جمع شدند تا ایشان خطبه غدیر و مراسم غدیر را اجرا کنند و فرمودند: «ای مردم من علی را دوست دارم!» و چند بار این جمله را تکرار نمودند و سؤالی که مطرح می‌شود این است که آن حادثه‌ای که پیامبر می‌خواست مردم ببینند و آن را به گوش دیگران برسانند آیا به این علت بود که پیامبر علی را دوست دارد؟ آیا چنین حرکتی از یک انسان عادی قابل قبول است؟ و آیا حرکتی بیهوده نبوده است؟ و مگر مسلمانان نمی‌دانستند که پیامبر را

دوست دارد؟ ولی می توان این موضوع را اینگونه پاسخ داد که اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ دوستی بود، پس چرا جبریل، آن فرشته بزرگ وحی بیاید و رسول خدا را از پیام وحی آگاه کند و چنانکه خود شخص رسول خدا (ص) فرمودند: همانا جبریل که درود خدا بر او باد سه بار بر من نازل شده و سلام خدا را رساند، و فرمود که در این مکان (غدیر خم) توقف نمایم، و به سیاه و سفید شما اعلام کنم که علی بن ابیطالب وصی و جانشین و پیشوای شما بعد از من است، جایگاه او نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی پیامبر است، با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد، علی (ع) پس از پیامبر، رهبر شماست، و خداوند بزرگ آیه ای در قرآن در همین مسئله نازل فرموده که: همانا رهبر و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آوردند و نماز را به پای دارند، و در حال رکوع زکات پردازند. همانطور که می دانیم علی (علیه السلام) نماز را به پاداشت، و در حال رکوع زکات پرداخت و در هر حال خدا را می طلبید و اگر هدف آن حضرت تنها اعلان دوستی با علی (علیه السلام) بوده، پس چرا آیه نزول آیه 55 سوره مائده (بلغ ما انزل الیک) به اعلام رهبری امام علی (علیه السلام) ارتباط دارد که در این آیه خداوند می فرماید: ای رسول خدا آنچه درباره علی از طرف خدا بر تو نازل شد، ابلاغ کن یعنی رهبری علی (علیه السلام) بر امت اسلامی را به مسلمانان بازگو و چرا در سخنرانی خود، امامت و وصایت امام علی (علیه السلام) را آشکارا بیان نمود.2

خطابه های قبل از غدیر

اولین خطابه حضرت رسول در منا بود. این خطبه اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر مال، و جان و آبرو داشت، سپس آن حضرت خونهای به ناحق ریخته شده و اموال به ناحق گرفته شده در دوران جاهلیت را بخشیدند تا بدین وسیله کینه تیزی ها از بین برود، و سپس در این خطابه فرمودند: «اگر من نباشم علی بن ابیطالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد» و سپس ایشان حدیث ثقلین را بیان فرمودند: «من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم».

دومین خطابه را حضرت در مسجد حنیف در منا فرمودند: ایشان در این خطبه به اخلاق عمل، دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند. 3

نگاهی به حدیث روز غدیر در منابع اهل سنت

در صفحات 55/56 ج اول سنن ابن ماجه چنین آمده است که: «همراه رسول خدا از سفر حج برمی گشتیم که در میان راه ایشان دستور دادند تا همه افراد جمع شدند، آنگاه خطاب به جمعیت فرمودند: آیا من بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری، فرمود: این شخص - علی (علیه السلام) - ولی هر کسی است که من مولای اویم، خدایا! دوست بدار هر که او را دوست می دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می دارد».

ترمذی در ج دوم جامع خود با سند خویش از مسلم بن کهیل نقل می کند که می گفته است، از ابوالطفیل شنیده که او از ابوسریحه یا از زید بن ارحم از فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست». کتاب مجمع الزوائد خود، حدیث غدیر را نخست به نقل از طبرنی آورده و سپس از گفته علی (علیه السلام) نیز نقل می کند که فرموده است: به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در منطقه خم نخست زیر درختی را از خار و خاشاک پاک کردند، آنگاه پیامبر در حالی که دست مرا در دست گرفته بودند: خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! آیا شما گواهی نمی دهید که خداوند پروردگار شماست؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم. سپس فرمود: آیا گواهی نمی دهید به اینکه خدا و رسول او بر شما از خودتان سزاوارترند و اینکه خدا و رسول خدا مولای شمايند؟ گفتند: آری، همین گونه است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر کس که خدا و رسولش مولای اویند این مرد مولای او خواهد بود.

(غدیر از نظر اهل بیت (علیه السلام)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: روز غدیر خم برتر اعیاد امت من است و آن روزی است که خدای متعال به من امر فرمودند تا برادرم علی بن ابیطالب (علیه السلام) را به عنوان علم (هدایت) برای امتم معرفی کنم، تا پس از من به وسیله او هدایت شوند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: ایشان در سالی که روز جمعه و عید غدیر در یک روز افتاده بود فرمودند: امروز، روزی بس بزرگ است. امروز روز کامل شدن دین است، امروز روز عهد و پیمان است. امروز، روز بیان حقایق ایمان است. امروز روز راندن شیطان است.

حضرت فاطمه زهرا (س): محمد بن لبید گوید: روزی به حضرت فاطمه (س) عرض کردم، آیا رسول خدا بر امامت علی (علیه السلام) تصریح فرمودند: حضرت فرمودند: و اعجبا، آیا روز غدیر را فراموش کردید! امام حسن مجتبی: در سال 41 هجری، زمانی که امام حسن مجتبی (علیه السلام) می خواست پیمان صلح را با معاویه منعقد کند خطبه ای خواندند که در ضمن آن خطبه فرمودند: این امت، جدم (صلی الله علیه و اله) را دیدند و از او شنیدند، که دست پدرم را در غدیر خم، به دست گرفت و به آن ها فرمود: (من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه، سپس به آن ها امر فرمود که حاضران به غایبان بگویند

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: ابلیس چهار روز از سر ضعف و عجز ناله سرداد: روزی که مورد لعن قرار گرفت، روزی که به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به نبوت مبعوث شد، و روز عید غدیر خم. 5

در کتاب ثواب الاعمال روایتی به نقل از قاسم بن یحیی از پدر بزرگش حسن بن راشد آمده که گفته است: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم آیا برای مسلمانان عید دیگری جز فطر و قربان وجود دارد؟ فرمود: ای حسن! آری، عیدی که از این دو عید شریف تر و برتر است. گفتیم: آن کدام است؟ فرمود: روزی که امیرالمومنین برای مردم به عنوان نشانه هدایت برگزیده شد. پرسیدم: کدام روز هفته بوده است؟ فرمود: روزی در سال ها تغییر می کند، آن روز هجدهم ذی حجه است گفتیم: فدایت شوم، برای ما چه کاری شایسته است که در آن روز انجام دهیم؟ فرمود: ای حسن! آن روز را روزه بگیر و فراوان بر محمد اهل بیت او درود فرست و به

پیشگاه خداوند از آنان که بر ایشان ستم کرده‌اند و منکر حق آنان شده‌اند، یزاری بجوی! و پیامبران گذشته به اوصیای خود سفارش می‌کرده‌اند که این روز را عید بگیرند. حسن بن راشد می‌گوید گفتم: برای کسی از ما که آن روز را روزه بدارد چه پاداشی است؟ فرمود: معادل شصت ماه روزه گرفتن. 6

امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: این روز، روز عید اهل بیت محمد علیهم السلام است. هر کس این روز را عید بگیرد خداوند مالش را زیاد می‌کند.

امام هادی (علیه السلام) می‌فرمایند: روز غدیر روز عید است، و افضل اعیاد نزد اهل بیت و محبان ایشان به شمار می‌آید. 7

آیا غدیر، یک حرکت دفعی و یک عمل یک‌باره بود یا در مورد آن تصمیم گرفته شد؟

یکی از سؤالاتی که در مورد غدیر مطرح می‌شود این است که آیا این ماجرا یک حرکت دفعی بوده یا در مورد آن تصمیم گرفته شده است؟ و یا اینکه اصلاً بحثی در این رابطه بوده و در سرزمین (جحفه) یک مرتبه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وحی نازل شد که علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود انتخاب کن در غیر این صورت اصلاً دین را تبلیغ نکرده‌ای، کدام یک از این دو دیدگاه درست است؟ به احتمال زیاد دیدگاه دوم صحیح است و این چنین نبوده که در غدیر و یک مرتبه و بدون هیچ به سابقه‌ای پیامبر (صلی الله علیه و آله) وحی شده باشد که علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود معرفی کن و اگر معرفی نکنی دین را تبلیغ نکرده‌ای. خیر این گونه نبوده است زیرا سابقه جانشینی علی (علیه السلام) به زمان اعلان رسمی و علنی دین اسلام برمی‌گردد و از زمانی که آیه مبارکه (و انذر عشیرتک الا قرین) نازل شده که طبق آن پیامبر مأمور شدند تا بستگان خود را جمع و آن‌ها را با دعوت و سخن خود آشنا نماید، در همان روز جانشینی علی (علیه السلام) اعلام شده و از آن پس هم حضرت رسول در طول دوره نبوت خود بارها موضوع جانشینی حضرت علی (علیه السلام) را مطرح کردند. و در این مورد اسناد بسیار معتبری داریم که حتی برخی از محققین اهل سنت هم به آن اذعان می‌کنند. به عنوان مثال: عمران بن حصین می‌گوید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: به درستی که علی از من است و من هم از او هستم، و او ولی هر مؤمن است بعد از من.

معجزه غدیر

واقعه عجیبی که به عنوان یک معجزه تلقی می‌شد در روز عید غدیر اتفاق افتاد و آن ماجرای «حارث فهوی» بود. در آخرین ساعات از روز سوم، او با 12 نفر از اصحابش نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت:

ای محمد! سه سؤال از تو دارم: آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبر خود را از جانب پروردگار آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا اینکه درباره علی بن ابیطالب گفتی: «من کنت مولاه فعلی مولاه...» از جانب پروردگار بود یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: «خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبریل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگار خبری را اعلان نمی‌کنم».

حارث گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما بار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست» سخن حارث تمام شد و به راه افتاد. خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد. بعد از این جریان، آیه «سال سائل بعذاب واقع، للکافرین لیس له دافع...» (سوره معارج، آیه 21) نازل شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند آری. با این معجزه، بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است. 8

نتیجه

روز غدیر به فرموده امام جعفر صادق (علیه السلام) بزرگترین و از بهترین اعیاد اسلامی است. غدیر عیدی است که از تمام اعیاد عظمت و شرافت و فضیلت و حرمتش بیشتر است. در این روز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امر پروردگار حضرت علی (علیه السلام) را به امامت و خلافت پس از خود منصوب فرمودند و به نص قرآن کریم در چنین روزی اکمال دین و اتمام نعمت الهی بر مسلمانان گردید و به فرموده امام صادق (علیه السلام) لازم است در چنین روز با عظمتی جشن و سرور به پا نمایند و به دیدار یکدیگر بروند و تبریک و تهنیت بگویند.

بعضی از جهات حکم غدیر را می‌توانم این طور بیان کنم که:

1- خطاب خداوند که «ای پیامبر ابلاغ من آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده که اگر ابلاغ نکنی رسالت خود را نرسانده‌ای که در هیچ یک از فرامین الهی چنین مطلبی گفته نشده است.

2- اقرار گرفتن‌های حضرت رسول از مردم در روز غدیر.

3- مسئله امامت فقط صورت یک خبر و پیام و خطابه ابلاغ نشده بلکه به عنوان حکم و فرمان الهی و بیعت عموم مسلمانان و تعهد آنان اجرا شد.

4- خطاب خداوند که فرمودند: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم» که تا آن روز مشابه آن را هم در هیچ موردی نفرموده بودند.

مقاصد حضرت رسول از خطبه غدیر را در چند مورد می‌توان بیان کرد:

1- نتیجه‌گیری از زحمات 23 ساله با تعیین جانشینی که ادامه دهنده این راه باشد.

2- حفظ دائمی اسلام از کفار و منافقین با تعیین جانشینانی که از عهده این مهم بر آیند.

3- اقدام رسمی برای تعیین خلیفه که از نظر قوانین ملل در همیشه تاریخ سندیت دارد.

4- بیان یک دور جامع از برنامه 23 ساله و گذشته و حال مسلمین.

5- ترسیم خط مشی آینده مسلمین تا آخر دنیا.

6- اتمام حجت بر مردم که از مقاصد اصلی در ارسال پیامبران است.